



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۱۸/۰۳/۱۴

دوکتور صلاح الدین سعیدی

## صلح و موجود سرطانی (پاکستان)!

تجارب تلخ نشان میدهد که افغانها جنگ دیگران را جنگیدند، قربانی های زیاد دادند، در دوستی و صداقت در دوستی افراط کردند و شواهد نشان میدهد که در مواردی تا حال هم نه آموختند!

عده از سیاسیون ما در عصر حاضر در مواردی هم جای مهمان و صاحب خانه را با هم خلط و مزج کردند و تعداد انگشت شماری ازین سیاسیون که متوجه این افراط شدند، هنوز هم به اشتباهات جدی در موارد دیگر خود پی نبرده و عوض تلاش برای جبران، تقاضاها و توقعات بلند بالای دارند.

این سیاسیون ما درک نه کردند که در سیاست اصل منافع است و مصالح که بخش ازین منافع و مصالح دیگران با منافع ما در تضاد و با بخش آن کنار آمده میتوانیم. ایران و خاصاً پاکستان از ما مطالبات غیر قابل قبول دارند.

شواهد و منطق سخن نشان داد و نشان میدهد که استابلیشمنت پاکستان دشمن مردم افغانستان بود، است و زمان ثابت کرده و ثابت خواهد کرد که دشمن باقی خواهد ماند.

گروپ از حرکت طالب که از جانب استابلیشمنت پاکستان به رُخ جهان کشیده میشود و جانب افغانی نیز با تعجب تلاش مذاکره سیاسی به آن ها را دارد عملاً در نهایت امر به خواست خود و یا با تحمیل شرایط در خدمت اهداف استراتژیک پاکستان قرار دارد و یا قرار داده میشود.

جانب حاکمیت کابل با ارایه برنامه های صلح و تفاهم توقع بردن و توقع کردن که دیگران به صلح و مذاکرات بین الافغانی ممد و همکار شود، موجب تمسخر و استهزاء دیگران میگردد.

تقاضای اینکه در کشور ما صلح را کمک کنند تا گویا محسود ها و بن لادنها فرصت کارنامه های جهادی را در کشورهای اصلی خود بیابند، سادگی ما را ثابت میسازد.

تأمین چنان صلح و استقرار که ضرورت وجود نیروها و پایگاه های نظامی خارجی رایگان را در کشور ما منتفی سازد. مطرح کردن سوال مقدار پرداخت سالانه کرایه بیس های نظامی امریکا مشکل وجود مراکز نظامی امریکا در کشور ما را به سود متقابل حل کرده میتواند.

اصل قرار ندادن مصالح و منافع در روابط با کشورها حد اقل ایجاب از سر نویسی قاموس ها و فرهنگ های سیاسی را مینماید.

مسلم است که پاکستان با سوء استفاده نامردانه از مجبوریت های مردم افغانستان درین راستا برای فعلاً دست بالا دارد. فکستان با داشتن نیرو های به نام طالب و دهها کیلانی، قومندان و امکانات کدري و مالی و فرصت های در چهل سال گذشته و بلاخره با هدر دادن وسیع امکانات بالقوه جانب افغانی در موقف بهتر در خرابی افغانستان قرار دارد.

پاکستان با داشتن چنین برتری های و داشتن کادرها در ستیج سیاسی کابل چرا و به چه دلیل صلح و استقرار را به افغانستان هدیه کند؟ هیچ منطق منفعت جیبی و مقامی چنین روش را به نفع جنرالان و استابلیشمنت پاکستانی درست نمی داند که برای صلح و استقرار. در افغانستان تشریک مساعی کند. و پاکستان چنین کاری را نه خواهد کرد.

پاکستان افغانستان مستقل، متکی به خود را دیده نمی تواند و نه خواهد گذاشت افغانستان به قوام و ثبات برسد.

پاکستان و حتی ایران نه خواهند گذاشت افغانستان به اداره آب، جنگل، معدن و منابع بشری خود برسد.

پاکستان تاریخ و جغرافیای خود را بهتر از هر کس دیگر میداند و افغانستان مستقل، متکی به خود را در تضاد منافع خود میداند.

با وجود اینکه بخش از واقعیت های اقتصادی و سیاسی و زمان به ضد استابلیشمنت پاکستان در حرکت اند اما استابلیشمنت پاکستان در قبال افغانستان سیاست دشمنانه ضد افغانی و ضد افغانستان را تغییر نه خواهد داد و نمی دهد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

بلی پاکستان کادر ها و اجنت های زیاد در داخل افغانستان دارد و این مشکلات وسیع را در داخل و خارج برای افغانستان ایجاد کرده میتواند و کرده است.

راه های حل: جنگ و مجادله حق با باطل ادامه دارد و پاکستان باطل است. کار سیستماتیک در تقلیل امکانات پاکستان در افغانستان و بکار گیری سیاست های تجرید اجنهای پاکستانی در افغانستان.

درین راستا شف شف کردن با پاکستان تمدید تراژیدی ملت افغان و تمدید خطر صلح منطوقی است. به یقین که سیاست مصالحه سیاسی و پیشکش کردن طرح ها و تلاش های صلح و لو با تمام صداقت، پاکستان را از سیاست افغان ضد، افغانستان ضد و صلح ضد باز نه خواهد داشت و چنین توقع کردن خطاء هم است. اما این راه را پیمودن درست و ضرورت است؟ بلی درست و ضرورت بخاطر تجرید پاکستان در انظار جهان و به اصطلاح اتمام حجت کردن است. اما اگر توسط افراد کار کشته و عدم آگاه از ماهیت پاکستان عملی شود، چنانچه در اکثر موارد تا حال شده، جانب پاکستان از آن جانانه به نفع خود بهره برداری کرده و میکند. باید و باید به خاطر داشت که چنین روشهای خیر خواهانه جانب افغانی سبب تأمین صلح و استقرار به مفهوم وارد شدن پاکستان به امر صلح و تفاهم خیر نه خود خواهد شد و نه گروه های دست نشانده خویش را پاکستان اجازه صلح و تفاهم نیک، خواهد داد.

اما اگر با ابتکارات صلح جانب افغانی اگر یک تن هم به صلح و تفاهم بین الافغانی بپیوندند و منجر شود، موفقیت است و ادای رسالت است و قابل استقبال. اما به یقین گفته میتوانم که این راه طولانی و حل نهایی ایجاب مقابله و تحمیل اهداف حق و گرفتن راه حق و مجادله رویاروی با استابلشمنت پاکستان یک واقعیت غیر قابل انکار است. ارایه بخش از مطالب در ظاهر متناقض ایجاب تعمق بیشتر دارد. شرایط ما ایجاب تقویت دوامدار خود، دولتداری خوب، تقویت نیرو های امنیتی و نظامی، تقویت دوچندان و سه چندان نیرو های استخباراتی و کشفی، شناخت و کشف اجیر و نوکر فعال دشمن در اداره حاکمیت جانب افغانی و محدود ساختن امکانات آن، استخدام کادرهای ضداهداف شوم پاکستانی و ادامه کار وسیع افشای ماهیت کاذب پاکستان، کسب و تقویت کار با متحدین داخلی سیاسی ضد پاکستان و تقویت کار با نیروهای ضد پاکستانی و از جمله با هند، تجرید پاکستان از متحدین اش و متیقن ساختن جهان و مردم پاکستان امروز که سیاست های افغان ضد و افغانستان ضد پاکستان مردم منطقه و استقرار را خطر جدی و اساسی است.

سیاست ایجاد، تمویل، تربیت و صدور دهشت و ترور پاکستان سبب ادامه تراژیدی ملت افغان، مردم پاکستان امروز و خطر جدی صلح جهانی است.

آمدگی دوامدار از تقابل اجتناب ناپذیر با دهشت و وحشت استابلشمنت پاکستانی جنگ طلب و دهشت گر پاکستان باید و باید با برنامه های وسیع و همه جانبه در برنامه کاری افغانستان و متحدین منطقه و ائتلاف ضد تروریستی جهانی باشد.

اضمحلال ای اس ای مانند یک سازمان تروریستی، کشیدن بمب اتم از دست این دهشت گران و بلاخره پایان دادن به این دانه سرطانی به نام پاکستان یکی از راههای حل اساسی خطر و تقلیل خطر ترور و دهشت در منطقه است. مردم این منطقه، پشتونها و بلوچها درین منطقه، افغانها و مردم خیر اندیش منطقه باید به حقوق حقه خویش برسند و از شر دانه و موجود سرطانی به نام پاکستان باید رهایی یابند.

سوء استفاده ایران نیز درین جا، تا افغانستان به اداره آب، معدن و تنظیم قوای بشری خویش نه رسد، جانب دیگر از ادامه تراژیدی ملت افغان است که ایجاب تدابیر مشخص را دارد. انتخاب دیگری وجود ندارد.

پایان بی پایان